



## واژه بست

بست و بست نشینی، مکانهای معین محترم و غالباً مقدس مصون از تعرض؛ و عمل پناه بردن به آنها. معمولاً افراد مجرم یا مغضوب و یا **مظلوم** (برای احقاق حقشان) به آن مکانها پناه می‌برند.

## فهرست مندرجات

- ۱ - واژه‌شناسی
- ۲ - پیشینه
- ۳ - بست نشینی
- ۴ - معنا
- ۵ - فهرست منابع
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

## واژه‌شناسی

واژه بست (مانند شکست و نشست و دید و بُرد و نظایر آنها) اسم مصدر است که در شکل با ماده ماضی یکی است. این واژه، که در فرهنگها اصلاً به معنی سد و بند، حد، مانع و **دیوار** است، به علاقه مجاورت و ملازمت، معنای جای بسته و محدود و یا محوطه و محدوده ای را به خود گرفته است که آن را با وسایلی مانند **چوب**، **ریسمان**، **سنگ** یا زنجیر مسدود و محدود و بدین ترتیب مأمون و محفوظ کرده باشند. بنابراین، بست از مصدر ساده و کهنسال «بستن» است که در طول زمان هیچگونه تغییر و ابدالی در آن راه نیافته است و شکل دگرگون شده لفظ دیگری نیست.

## پیشینه

آنچه درباره پیشینه و اشتقاق این واژه عنوان کرده‌اند و از جمله وابستگی آن با مصدر **m̥apast** **فارسی باستان** «به معنای یاری و حمایت» که در **فارسی میانه** به صورت **m̥abesta** یا **abesta** n □ است. **ابستا** یا **ابستا**، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ج ۱، ص ۳۰، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران ۱۳۷۳ ش. و در پازند **m̥ □ awasta** و در **ارمنی** عاریتی **apastan** به معنای «پناهگاه» در آمده بگلی بی پایه است. واژه اخیر که به صورتهای اوستام، اُستام و وِستام و به معنای اعتماد و توکل به فارسی دری رسیده در شعر ابوشکور و در ویس و رامین **پاول هرن** و هاینریش هوبشمان، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱، ۱۳۵، اسس اشتقاق فارسی، ترجمه و تنظیم جلال خالقی مطلق، تهران ۱۳۵۶ ش. و فرهنگ شاهنامه عبدالقادر (ش ۱۴۵۸) و بیش از سی بار در ترجمه قرآن قس، در برگردان واژه «توکل» و مشتقت آن آمده است. بنابراین، واژه ای که تا میانه قرن پنجم و شاید هم دیرتر **شمس فخری اصفهانی**، معیار جمالی، ج ۱، ص ۳۱۹، چاپ صادق کیا، تهران ۱۳۳۷ ش. در فارسی دیده می‌شود بسیار بعید است که در اواخر قرن دهم یکباره و برخلاف قواعد ابدال و تسهیل به صورت «بست» تغییر شکل داده باشد. پیشوند فعلی -upa باستانی هیچگاه به «ب» مبدل نشده است.

## بست نشینی

**بست نشینی** سنت بسیار کهنسالی است که در آیینهای چون جوانمردی و مهمان نوازی و حق جوار ریشه دارد و نزد همه اقوام و ملت‌های باستانی شناخته و معمول بوده است.

## معنا

در اسلام مفهوم بست با انتخاب **حرم کعبه** به عنوان نخستین بیت مردم و مأمَن مسلمانان

[۱۲۱ مانده /سوره ۵، آیه ۹۷.](#)

پیوستگی دارد و نیز با اصطلاح «جَلّ و حَرَم» اسلامی که قبل از هر مکان دیگر برای کعبه و **مکه** به کار رفته است. اما اصطلاحاتی چون بست، بستنی، بست نشستن، بست شکستن و خون بست تنها از روزگار **صفویان** (قرن دهم) به بعد در فرهنگها و کتب تاریخ دیده می‌شود و اوج رواج آن و بخصوص نوع دسته جمعی و سیاسی آن به روزگار **قاجاریان** منحصر بوده است. به همین سبب، این معنای اصطلاحی لفظ بست تنها در فرهنگهای فارسی قرن دوازدهم به بعد، مانند بهار عجم، انجمن آراء، آندراج، چراغ هدایت، نظام و ناظم الاطباء و کتابهایی مانند مجمل التواریخ گلستانه (۱۱۹۶) و مطلع الشمس اعتمادالسلطنه (۱۳۰۳) و سفرنامه های جهانگردان خارجی (مانند کمپفر و پولاک...) دیده می‌شود و توضیح هدایت، صاحب انجمن آرای ناصری، به اینکه «در این زمان رسم شده...» مؤید همین معنی است. در این دوران، بست به معنای حرم خاص و واجب الاحترام و مصون از تعرضی بوده است که مجرمان، محکومان و حتی متهمان و مظنونان و اقلیتهای سیاسی که به علت فشارهای حکومتی فرصت بیان افکار خود را نمی‌یافتند می‌توانستند برای امان یافتن از آسیب انتقام یا خطر تعقیب و **مجازات** و یا **قتل** شتایزده به آن پناه برند تا در فرصتی محدود که از این راه نصیبشان می‌شد، برای اثبات بیگناهی خود، رفع شبهه یا طلب بخشایش از **اولیای حق** و یا بازخرد احتمالی کیفر خود، با حریفانشان و یا با مقامات شرعی و حکومتی به مذاکره بپردازند.

## فهرست منابع

- (۱) قرآن.
- (۲) محمدتقی راشد محصل، درآمدی بر دستور زبان اوستائی، بررسی یسن نهم، تهران ۱۳۶۴ ش، ص ۵۷.
- (۳) شمس فخری اصفهانی، معیار جمالی، چپ صادق کیا، تهران ۱۳۳۷ ش.
- (۴) دن مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران ۱۳۷۳ ش.
- (۵) پاول هرن و هاینریش هوبشمان، اسلس اشتقاق فارسی، ترجمه و تنظیم جلال خالقی مطلق، تهران ۱۳۵۶ ش.
- (۶) Mary Boyce, A word-list of Manichaean Middle Persian and Parthian, in Acta Iranica, II, suppl. ۱۹۷۷, Tehran.
- (۷) Wilhelm Brandenstein and MMayrhofer, Handbuch des Altpersischen, Wiesbaden ۱۹۶۴, ۱۴۸.
- (۸) (Encyclopaedia Iranica, sv "Bast") (by J Calmard).
- (۹) Ilya Gershevitch, A grammar of Manichean Sogdian, Oxford ۱۹۶۱, ۱۰۴, no ۶۶۳.
- (۱۰) H Hu «bschmann, Persische Studien, Strassburg ۱۸۹۵, ۲۰ no ۱۳۵.
- (۱۱) Roland G Kent, Old persian: grammar, texts, lexicon, New Haven ۱۹۵۳, ۱۷۶.
- (۱۲) H S Nyberg, A manual of Pahlavi, Wiesbaden ۱۹۶۴-۱۹۷۴.
- (۱۳) Ralph Norman Sharp, Les inscriptions cun (nides, Tehran (nd) miformes en ancien Persan des Empereurs Ach).

## پانویس

۱. [↑](#) دن مکنزی، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ج ۱، ص ۳۰، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران ۱۳۷۳ ش.
۲. [↑](#) پاول هرن و هاینریش هوبشمان، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱ ش ۱۳۵، اسلس اشتقاق فارسی، ترجمه و تنظیم جلال خالقی مطلق، تهران ۱۳۵۶ ش.
۳. [↑](#) شمس فخری اصفهانی، معیار جمالی، ج ۱، ص ۳۱۹، چپ صادق کیا، تهران ۱۳۳۷ ش.
۴. [↑](#) **مانده /سوره ۵، آیه ۹۷.**

## منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «بست و بست‌نشینی»، شماره ۱۳۱۹.

رده‌های این صفحه: [واژه شناسی](#)